

ماجرای زنی که برای انتقام جویی از برادر شوهرش شرور اجیر کرد

آتش افروزی ۲۰ میلیونی!



مشت ولگد گرفت و به شدت کتک زد. او گفت تو به پدر و مادر می احترامی کرده ای... از آن زمان برادر شوهرم اجازه نداد که پدر و مادر شوهرم با من ارتباط داشته باشند و من خیلی از این موضوع ناراحت شدم چون بدون هیچ دلیلی مرا مقصر دانستند... برای همین کینه او را به دل گرفتم و می خواستم او را اذیت کنم...

*** چه شد که تصمیم به آتش زدن منزل گرفتی؟** وقتی ناراحت بودم با «سجاد» صحبت کردم که می خواهم برادر شوهرم را اذیت کنم. پیشنهاد دادم که در نبود برادر شوهرم به خانه آن هادستبر دزدی این که منزل را به آتش بکشد...
*** افرادی را که متهم پرونده هستید، می شناسی؟** خیر. من می دانستم که سجاد دوستانی دارد که اراذل و اوباش هستند. قرار شد سجاد از آن ها قیمت کارشان را بپرسد که یک روز سجاد رنگ زد و گفت ۲۰ میلیون می گیرند که خانه را آتش زنند...

*** ۲۰ میلیون پول دادی؟** بله. ۱۰ میلیون وام خانگی داشتم که در قرعه کشی گرفته بودم و بقیه را قبل از عید از در آمد آرایشگری به حساب شان ریختم...

*** روز آتش سوزی شما کجا بودید؟** در ایام عید نوروز بود. من و خانواده ام و برادر شوهر و خانواده به شهرستان محل سکونت پدر شوهرم رفته بودیم. از آن جامن به سجاد رنگ دهم و گفتم دروغ می گویند به پدر شوهرم گلابه کردم. به همین دلیل پدر شوهر و مادر شوهرم به مشهد آمدند تا مشکل ما را حل کنند... آن روز خانه برادر شوهرم را به نهار دعوت بودیم و شوهرم سر کار بود. بحث و جدل بین ما بالا گرفت. من ناراحت شدم که در همین هنگام برادر شوهرم بلند شد و سبلی محکمی به صورتم زد. اشک بزان با شوهرم تماس گرفتم و ماجرا را بازگو کردم. وقتی آن جار سید و حرف دیگران را شنید به جای این که از من حمایت کند مرا زیر

مدت دو سال بود که با سجاد آشنا شده بودم. او در محله ما ماست فروشی داشت و از من کوچک تر بود اما احساسات و عواطفم را به خوبی درک می کرد.
*** ارتباط شما با خانواده همسرت چگونه است؟** ارتباطم با پدر شوهرم خیلی خوب است. با مادرش هم خیلی فرق نمی کرد اما او بیشتر به حرف های دیگران توجه داشت و هر چه می گفتند به راحتی می پذیرفت.

*** خصومت با برادر شوهرت در باره چه بود؟** برادر شوهرم از شوهرم کوچک تر است و من با همسر او ارتباط خوبی داشتم و با یکدیگر دوست بودیم ولی در زمان شیوع کرونا من بیمار شدم و به خاطر این که حال خوب نبود به خانه پدری ام رفتم. همسر من چون تنها بودا و هم به خانه برادرش رفت که آن ها با ناراضیاتی از این که ناقل کرونا نباشد بهانه جویی می کردند تا این که برادر شوهرم با من تماس گرفت و مدعی شد که همسرت بیمار است و به خانه برگرد! من نیز با همان حال به مشهد آمدم ولی زمانی که متوجه شدم آن ها قرص مصرف کنند تا آرامش بگیرد. برای همین همیشه عصبی بود و پر خاشگری می کرد و کم پیش می آمد که با من آرامش رفتار کند. به همین دلیل رابطه عاطفی ما بسیار ضعیف بود و این باعث جدایی من از او شد تا جایی که در واقع کم کم طلاق عاطفی بین ما به وجود آمد.

*** خودت کار می کنی؟** بله. دوره کارآموزی آرایشگری را گذراندم و به طور مستقل برای خودم سالی آرایشگری راه اندازی کردم. *** از چه زمان با آن پسر (سجاد) آشنا شدی؟**

*** پدر و مادر ت در قید حیات هستند؟** بله. اما آن ها کهولت سن دارند و خانه نشین هستند.
*** با همسرت چگونه آشنا شدی؟** شوهرم فامیل دور پدری ام است که در یکی از شهرهای مرزی خراسان رضوی سکونت دارند.
*** چرا به مشهد مهاجرت کردید؟** چون همسرم بیکار بود و برای یافتن شغل به مشهد آمدم که این جا با خودم و مسافر کشی می کرد.
*** مدت چند سال زندگی مشترک دارید؟** ۲۳ ساله بودم که پای سفره عقد نشستیم اما از ۶ سال قبل زندگی مشترک خودمان را آغاز کردیم.
*** ارتباط با همسرت چگونه بود؟** همسر



اعتیاد به مواد مخدر داشت و بعد ترک کرد. بعد از ازدواج متوجه شدم مشکل اعصاب دار و باید قرص مصرف کنند تا آرامش بگیرد. برای همین همیشه عصبی بود و پر خاشگری می کرد و کم پیش می آمد که با من آرامش رفتار کند. به همین دلیل رابطه عاطفی ما بسیار ضعیف بود و این باعث جدایی من از او شد تا جایی که در واقع کم کم طلاق عاطفی بین ما به وجود آمد.

*** چند سال داری؟** ۳۱ سال
*** متاهلی؟** بله
*** فرزند هم داری؟** ۲ پسر خردسال دارم.
*** خانواده ت در کجا زندگی می کنند؟** من در خانواده ای پر جمعیت بزرگ شدم و پدرم با کشاورزی در یکی از روستاهای فریمان زندگی ما را تامین می کرد اما خودم بعد از ازدواج در مشهد ساکن شدم.

دقیق دور بین های مدار بسته نشان می داد، در آن ساعت بامداد (حدود ۵:۳۰) دو جوان با منزل مسکونی در شهر کنویدز بانه کشید. دود غلیظی فضا را فرا گرفت و اهالی محل با نگرانی و هراسان از منازل بیرون آمدند. هیچ کس را یاری نزدیک شدن به شعله های سوزان نبود. دلپره عجیبی در محل به راه افتاد. تلفن ۱۲۵ آتش نشانی مشغول شد. هر کس با دیدن این اوضاع و حشتناک، گوشی تلفن را برمی داشت و خواب آلود با امدادگران آتش نشانی تماس می گرفت. طولی نکشید که خودروهای آتش نشانی آژیر کشان سکوت سحرگاهی را شکستند. امدادگران دل به آتش زدند و عملیات اطفا را آغاز کردند. وقتی زبانه های آتش فروکش کرد و دود سفید از اتاق ها برخاست، تازه مشخص شد که این آتش سوزی یک حادثه اتفاقی نبوده است. هیچ کس درون خانه حضور نداشت و همین موضوع عملیات امدادگران را با مشکل مواجه کرده بود. در عین حال آتش نشانات در همان مراحل اولیه اطفای آتش زمانی که به کانون آتش سوزی رسیدند، آثار عجیبی از این حادثه و حشتناک را دیدند که ماجرا را پیچیده تر کرد. بنابراین گروه کارشناسی و تخصصی وارد عمل شدند و به بررسی موضوع پرداختند. در همین حال برخی از اهالی و اطرافیان صاحبخانه با وی تماس گرفتند و حکایت آتش سوزی را بازگو کردند.

چند ساعت بعد با حضور ساکنان و اهالی منزل سوخته، تحقیقات پلیس در حالی ادامه یافت که کارشناسان از عمدی بودن این آتش سوزی خبر دادند. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) گروهی از افسران دایره اطلاعات بررسی های غیرمحبوس را با کسب مجوزهای قضایی شروع کردند که در نهایت پای دو مرد جوان در این آتش سوزی عمدی به میان آمد چرا که بازبینی

ورود به زیرزمین متروپل در نهمین روز حادثه

سازه متروپل عملیات جست و جو و آواربرداری شتاب بیشتری گرفت. هر چند همچنان خطر ریزش وجود دارد.

*** توضیح پزشکی قانونی درباره نحوه شناسایی حسین عبدالباقی**
دیروز فیلم ها و گزارش های ارسالی نشان می داد عده ای پس از آن که چندروز پیش مغازه آجیل فروشی عبدالباقی را طعمه حریق کرده اند خانه مالک متروپل را به آتش کشیدند. در همین حال رئیس بانک اطلاعات هویت ژنتیک ایران درباره نحوه «شناسایی جسد حسین عبدالباقی» توضیحاتی ارائه کرد. رتوفیان گفت: با بررسی پیکر و عدم مشاهده تخریب بافتی، نمونه گیری طبق دستورالعمل های موجود سازمان بافت های عمقی (عضله) انجام شد و با توجه به اولویت تعیین هویت متوفی، آزمایش به صورت خارج از نوبت انجام پروفایل ژنتیکی استحصاف و فرایند مقایسه تطبیقی با پروفایل ژنتیکی مادر و ۳ فرزند وی توسط نرم افزار اختصاصی انجام شد. بنابراین هیچ شبهه ای در این باره وجود ندارد.

*** پیش بینی استاندارد خوزستان از زمان اتمام آواربرداری**

در همین حال گزارش ارسالی خبرنگار آخرین خبر از آبادان نشان می داد که به گفته برخی نیروهای امداد رسان، موش های بزرگی در طبقات زیرین متروپل حضور دارند و بعد از تصاویر آپ گرفتگی برخی گمانه زنی ها و شایعات مبنی بر صدمه رساندن موش ها بر اجساد وجود دارد. دیروز استاندارد خوزستان هم گفت: تلاش می شود عملیات جست و جو در متروپل تا فردا چهارشنبه به پایان برسد. او درباره برخی تصاویر و ادعاها درباره احتمال ریزش بخش دیگری از متروپل هم گفت: با مقاوم سازی بخش هایی از قسمت برپا مانده



شده و با ورود خودروها و واو لجستیک سنگین، کار آواربرداری سرعت بیشتری گرفته است. تلاش بر این بود که با توجه به میزان بسیار زیاد سازه، به زیرزمین ساختمان متروپل برسیم و در این زمینه روز گذشته و امروز (سه شنبه) به ضلع شمالی زیرزمین رسیدیم و در این قسمت تخلیه به صورت کامل انجام شده است.

خفه شدن کودک

باشیش به بالابر

ماشین پدر!

پسر چهار ساله در جریان بالا بردن شیشه خودرو توسط پدر خود، جان سپرد. به گزارش رکن ما موران کلانتری حکیمیه روز دو شنبه در جریان مرگ مشکوک پسر بچه چهار ساله ای قرار گرفتند و مراتب به بازپرس ویژه قتل تهران اعلام شد. بررسی هانشان می داد پدر این پسر خردسال، ساعت ۱۴:۳۰ مشغول خرید در شهر کوالفجر حکیمیه بود و دقایقی پسر خود را در خودرو تنها گذاشت.

همان موقع سر پسر از پنجره بیرون بود که پدر ریموت قفل در خودرو را زد و همزمان شیشه پنجره بالا رفت. به دنبال آن سر پسر خردسال لای شیشه گیر کرد و تا رسیدن پدر، پسر خفه شد و جان سپرد. بنا بر این گزارش، بازپرس ویژه قتل دستور داد تا جسد پسر چهار ساله برای بررسی های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شود.

در امتداد تاریکی

مرگ تلخ در خانه دوست!

از پشت پرده حادثه ای که رخ داده است هیچ اطلاعی ندارم اما برای از دست دادن جگر گوشه ام که فقط ۱۸ سال داشت، قلبم آتش گرفته است و نمی توانم این حرف ها را باور کنم چرا که...

به گزارش خراسان، زن ۴۱ ساله سیاهپوش در حالی که چون ابر بهار اشک می ریخت و در سوگ پسرش به سر و صورت می کوید با بیان این که نمی دانم چگونه از فرزندم غافل شدم، درباره این حادثه در ناک به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: ۲۰ سال قبل با جوانی که کارمند یکی از ادارات دولتی بود ازدواج کردم و به امور خانه داری پرداختم. زندگی مشترک خوبی داشتیم و خیلی زود صاحب یک دختر و پسر شدیم که به زندگی ما صفای دیگری بخشیدند. در این میان من دلبستگی عجیبی به «شاهین» داشتم چرا که او فرزند بزرگم بود و من و پدرش سعی می کردیم برای شادی او همه خواسته هایش را فراهم کنیم و بهترین امکانات رفاهی را در اختیارش بگذاریم. آن زمان شاهین در یکی از بهترین مدارس غیرانتفاعی تهران تحصیل می کرد و من حتی گران قیمت ترین لوازم تحریر را برایش می خریدم تا نزد همکلاسی هایش احساس حقارت نکند. پدرش نیز ماهانه پول تو جیبی زیادی در اختیارش می گذاشت تا وقتی با دوستانش بیرون می رود، برای مخارج تفریح و خوش گذرانی دوستانه خجالت نکشد و آن چه را که می خواهد تهیه کند. خلاصه شاهین در این شرایط بزرگ شد و ما هم سالی چند بار به صورت خانوادگی به مسافرت می رفتیم و زندگی خوبی را تجربه می کردیم تا این که پسر در سال آخر دبیرستان دوستانی را از طریق فضای مجازی پیدا کرده بود که چند روز آن ها ساکن مشهد بودند. به همین دلیل پسر همواره با آن ها در ارتباط بود و با یکدیگر چت می کردند یا گروه هایی در شبکه های اجتماعی تشکیل می دادند. خلاصه مدتی قبل برای تعطیلات چند روزه تصمیم گرفتیم به مشهد سفر کنیم. پسر خیلی از این موضوع خوشحال بود و طوری وانمود می کرد که اجازه به هم او و شب را نزد دوستانش سپری کند اما من کاملاً مخالف بودم چرا که هیچ گونه آشنایی با دوستان او و خانواده های شان نداشتم. در همین حال یک شب او به بهانه گشت و گذار در خیابان، از هتل بیرون رفت و تا سپیده دم به هتل بازنگشت. من هم که خیلی نگران شده بودم احتمال دادم که او برای دیدار با دوستانش رفته باشد ولی باز هم افکار و خیالات گوناگون مانند تصادف یا درگیری را هیم نمی کرد تا این که صبح از کلانتری قاسم آباد با من تماس گرفتند و مرگ مشکوک پسر مرا اطلاع دادند. هراسان خودم را به کلانتری رساندم و ماجرا را جویا شدم. دوست مشهدی شاهین و مادرش نیز که در کلانتری احضار شده بودند درباره چگونگی مرگ پسر گفتند، حدود ساعت ۲۲ بود که شاهین با حالت غیرطبیعی مانند نشنگی زیاد به منزل ما آمد و مدعی شد دو قرص مخدر دار با دوز بالا را مصرف کرده است و این حالت غیرطبیعی را دوست دارد. هر چه به او اصرار کردیم به در مانگاه ورود یا از داروهای خانگی استفاده کند، قبول نکرد و در همان وضعیت به خواب رفت. ما هم که دوست نداشتم مهمان را از خانه بیرون کنیم، دیگر ساکت شدیم تا او صبح منزل ما را ترک کند سپیده دم که مشغول تهیه صبحانه بودم از پسرم خواستم تا دوستانش را ببیدار کند ولی هر چه او را صدا زد پاسخی نداد. وحشت زده با اورژانس تماس گرفتم ولی آن ها مرگ شاهین را تایید کردند و من و فرزندم نیز در گیر این پرونده جنایی شدیم. گزارش خراسان حاکی است، بررسی های سم شناسی با دستور قاضی ویژه قتل عمد مشهد برای کشف حقیقت این ماجرا آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکار پلیس پیشگیری خراسان رضوی

مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) یک مرحله ای

فراخوان واکذاری فعالیت های انتظامی (نگهبانی) سطح پردیس و

مراکز و نواع دانشگاه فردوسی مشهد



دانشگاه فردوسی مشهد در نظر دارد فراخوان واکذاری فعالیت های انتظامی (نگهبانی) سطح پردیس و مراکز و توابع دانشگاه فردوسی مشهد به شماره (سیستمی) ۲۰۰۱۹۱۵۷۹۰۰۰۰۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام ثبت لازم را به عمل آورند.
مواعد زمانی:
- **تاریخ انتشار فراخوان:** ۱۴۰۱/۰۳/۰۸ ساعت ۱۷:۰۰
- **مهلت دریافت اسناد فراخوان:** ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ ساعت ۱۹:۰۰
- **مهلت ارسال پیشنهادات:** ۱۴۰۱/۰۳/۳۰ ساعت ۰۹:۰۰
- **زمان بازگشایی پاکت ها:** ۱۴۰۱/۰۳/۳۰ ساعت ۱۰:۰۰
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۵/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است. تضمین مزبور شامل: الف) ضمانت نامه بانکی؛ ب) فیش نقدی (چک بین بانکی د) چک تضمین شده بانکی
اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: اطلاعات تماس دستگاه: ۰۵۱-۳۸۸۰۲۲۶۵ (تلفن) ۰۵۱-۳۸۸۰۲۲۶۵ (تلفن)
فردوسی مشهد، سازمان مرکزی (ارائه پاکتهای الف: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱-۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
دفتر ثبت نام: ۰۲۱-۴۱۹۳۴ و ۸۸۹۶۹۷۳۷
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استانها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت نام/ پروفایل تأمین کننده/ مناقصه گر» موجود است.
هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه است.

آگهی ابلاغ رأی بازنشتگی به آقای علیرضا طهرانی

"نظر به مفاد ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی، رأی قابل پژوهش شماره ۵۰۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۴ هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مبنی بر بازنشتگی با تقلیل یک گروه به آقای علیرضا طهرانی فرزند عباسعلی کارمند مدیریت امور شعب بانک در تهران بزرگ ابلاغ می گردد."

این آگهی در دو نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار درج و به نامبرده ابلاغ می گردد حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ درج این آگهی درخواست اعتراض خود از حکم مذکور را به دفتر اداره کل امور کارکنان این بانک ارسال نماید.

م.الف ۷۹۹ اداره کل امور کارکنان بانک کشاورزی

۰۲۱-۱۳۳۸۰۳۳۳

صفحه آرای

واحد صفحه آرای روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۲۰۹۳۹۰ layout@khorasannews.com



آگهی مزایده شماره ۱۴۰۱/۱-۶۴

- **موضوع مزایده:** فروش لوله های پلی اتیلن مازاد شرکت
- مبلغ سپرده شرکت در مزایده در اسناد مزایده قید شده است.
- **مهلت ونحوه دریافت اسناد مزایده:** صرفا از طریق سامانه ستاد ایران تا مورخ ۱۴۰۱/۳/۱۹
- **محل دریافت اسناد مزایده:** سایت www.setadiran.ir
- **مهلت و نحوه تحویل اسناد مزایده:** تا ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۱
- **تحویل اسناد صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت:** www.setadiran.ir می باشد
- آدرس دستگاه مزایده گزار: مشهد- بلوار خیام، خیام جنوبی ۲۵، شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی تلفن: ۰۵۱۳۷۶۱۳۰۲
تذکر: ضمناً لازم است کلیه متقاضیان با توجه به ابلاغیه الزام بکارگیری سامانه تدارکات الکترونیکی دولت "ستاد" وارد سامانه www.setadiran.ir شوند و مراحل عضویت خود را انجام دهند.

روابط عمومی شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی
سامانه پیامکی ۰۳۰۰۶۳۹۴ و تلفن گویا ۳۱۴۳۵

۰۲۱-۱۳۳۸۰۳۳۳